

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال دوازدهم، شماره ۴۸، تابستان ۱۳۹۹

صفحات: ۲۲-۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۸؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۲/۱۹

نوع مقاله: پژوهشی

## مطالعه تطبیقی منابع رقابت سیاسی ایران و ترکیه در منطقه خاورمیانه

مهديه حیدری\* / حسین دهشیار\*\*

### چکیده

جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، دو کشور همواره تأثیر گذار در منطقه ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیک خاورمیانه هستند. هر دو کشور با برخورداری از مؤلفه های گوناگون و متعدد قدرت در صدد کسب جایگاه بهتر در این منطقه راهبردی هستند. تلاش برای نفوذ و تأثیر گذاری بر روند تحولات منطقه ای پس از فروپاشی شوروی تا بحران های اخیر در کشور سوریه و عراق بیانگر تکاپوی جدی هر دو کشور برای کسب یک جایگاه برتر منطقه ای است. هدف این تحقیق بررسی این منابع رقابت است و پاسخ به این پرسش است که، مهمترین منابع رقابت سیاسی ایران و ترکیه در منطقه خاورمیانه کدامند؟ در پاسخ موقتی گفته می شود که مهمترین منابع مؤثر بر رقابت ایران و ترکیه در منطقه، قدرت های نرم و سخت این دو دولت هستند. یافته های پژوهش با کاربست نظریه واقع گرایی ساختاری به ویژه تقریر واقع گرایی تدافعی نشان می دهد که ایران و ترکیه نه بر اساس منابع قدرت سخت بلکه براساس منابع قدرت نرم خود به رقابت با یکدیگر پرداخته اند. نتایج تحقیق گویای آن است که منابع و دارایی های مادی این دو بازیگر خیلی در رقابت سیاسی آن ها مؤثر نبوده بلکه برداشت ذهنی که این دو بازیگر از نیت های یکدیگر داشته اند و نوع سیاست خارجی منطقه ای و به ویژه نوع تعاملی که با قدرت های بزرگ بین المللی داشته اند، در رقابت آن ها مؤثرتر بوده است.

### کلیدواژه ها

ایران؛ برداشت ذهنی؛ ترکیه؛ خاورمیانه؛ نورثالیسم.

\* دانش آموخته دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

m.heydari2010@yahoo.com

h-daheshiar@yahoo.com

\*\* استاد گروه روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

## مقدمه

منطقه خاورمیانه به دلیل داشتن اهمیت ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی بسیار فراوان و نیز داشتن دولت‌های با ایدئولوژی‌های متفاوت و منابع گوناگون قدرت ملی و دخالت‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای همواره شاهد افت و خیزهای دولت‌های منطقه برای کسب جایگاه برتری و رهبری در این منطقه راهبردی بوده است. جمهوری اسلامی ایران و ترکیه از جمله دو قدرت عمده و بزرگ منطقه هستند که هر کدام با داشتن متغیرها و مؤلفه‌های گوناگون قدرت ملی (چه در ابعاد مادی آن و چه در بعد غیرمادی آن) در صدد ایفای نقش هرچه مؤثرتر خود و معرفی خود به عنوان یک قدرت برتر منطقه‌ای تأثیرگذار بوده‌اند. ج.ا. ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، علی‌رغم داشتن مؤلفه‌های قدرت بسیار چشمگیرتر از ترکیه به دلیل داشتن تنش با قدرت‌های بزرگ و نیز ترس واهمه کشورهای منطقه خاورمیانه از احتمال گسترش انقلاب اسلامی به کشور خود، خیلی قادر به ایفای نقش مؤثر خود در این منطقه راهبردی نشد. در مقابل کشور ترکیه با درپیش گرفتن سیاست همراهی با غرب توانست از حداقل ظرفیت‌های خود برای تأثیرگذاری بر تحولات منطقه‌ای و معرفی خود به عنوان یک کشور تأثیرگذار بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی، به ایفای نقش در منطقه بپردازد، هرچند که با درپیش گرفتن سیاست‌های متناقض هنوز نتوانسته است خود را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار ثابت کند. حال پرسشی که مطرح می‌شود، این است که منابع مؤثر بر این رقابت سیاسی ج.ا. ایران و ترکیه در منطقه خاورمیانه کدامند؟ در پاسخ با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و به کارگیری چارچوب تئوریک نو واقع‌گرایی (با تأکید بر واقع‌گرایی تدافعی) دو منبع اساسی قدرت مادی و غیرمادی این دو بازیگر به عنوان مهمترین منبع رقابت سیاسی دو کشور ایران و ترکیه در منطقه خاورمیانه در نظر گرفته می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر دو بازیگر درصدد ایجاد موازنه تهدید در برابر برتری یکدیگر در منطقه خاورمیانه بوده‌اند و برداشت تهدیدی که رهبران این دو از افزایش قدرت نفوذ یا افزایش قدرت نرم دیگری داشته‌اند، رقابت سیاسی آنها را به سوی یک بازی با حاصل جمع جبری صفری سوق داده است و مانع از برتری یکی از این دو قدرت بزرگ منطقه‌ای در خاورمیانه شده است. بنابراین می‌توان گفت منابع و دارای‌های مادی ملی این دو بازیگر خیلی در رقابت سیاسی آنها مؤثر نبوده بلکه این درک و فهمی که این دو بازیگر از محیط منطقه‌ای و نوع سیاست خارجی

و تعامل با قدرت های بزرگ بین المللی به ویژه ایالات متحده داشته اند، در رشد و ارتقا آنها مؤثرتر بوده است.

### ۱. چارچوب نظری واقع گرایی ساختاری

تئوری نو واقع گرایی توسط کنت والتز در کتاب « تئوری سیاست بین الملل » (۱۹۷۹م)، مطرح شد. نظریه والتز بر اهمیت ساختار نظام بین الملل و نقش آن به عنوان تعیین کننده اصلی رفتار دولت تأکید می کند. نئورئالیست ها مفهوم نظام و ساختار را از رفتار گرایی به عاریت گرفته اند، ولی به اصول محکم و اساسی نو واقع گرایی پایدار مانده اند. نو واقع گرایی را می توان بیش از هر چیزی تلاشی برای عملی کردن واقع گرایی دانست. در شرایطی که واقع گرایی کلاسیک متهم به آن بود که سنت گرا و غیر عملی است، برخی از واقع گرایان تلاش کرده اند تا روایتی علمی از واقع گرایی را عرضه کنند که با معیارهای علمی مرسوم انطباق داشته باشد. به علاوه واقع گرایی از نظر عدم توجه به مسائل اقتصادی نیز مورد انتقاد بود، لذا یکی دیگر از حوزه های مورد توجه واقع گرایان جدید مسائل اقتصادی بین الملل بود. در دهه ۱۹۷۰ کنت والتز مهمترین نماینده تلاش برای علمی کردن واقع گرایی در قالب نو واقع گرایی یا واقع گرایی ساختاری محسوب می شود. علی رغم تفاوت های زیادی که دولت ها در زمینه های گوناگون دارند، والتز یک تشابه و یکنواختی در کمیت زندگی بین المللی در طی سالیان دراز مشاهده می کند. والتز استدلال می کند که این تشابه از ساختار آنارشیک بین المللی نشأت می گیرد (Donnelly, 2017: 75).

نئو رئالیسم به این مسئله می پردازد که سیستم بین المللی انگیزه های لازم را برای کشورها ی قدرتمند ، برای اتخاذ سیاست های قابل انطباق مشابه فراهم می آورد. سوال اصلی که والتز می خواهد به آن پاسخ دهد این است که چرا دولت ها به رغم تفاوت ایدئولوژی های متعارض و نظام سیاسی متفاوت، دارای رفتار سیاست خارجی مشابهی هستند؟ والتز بر این باور است که نمی توان این شباهت را بر اساس ویژگی های واحد ها توضیح داد و در مقابل بایستی برای تجزیه و تحلیل توزیع قدرت در سطح سیستمی است. والتز سیاست خارجی کشور های منفرد را توضیح نمی دهد بلکه این مسئله را به لحاظ سیستمیک مد نظر قرار می دهد (Taliferro, 2016: 206). به عبارت دیگر ساختار آنارشیک سبب می شود که بازیگران ادراکات ذهنی خاصی را در خود ایجاد نمایند بنابراین تأثیرات ساختار بر کارگزاران سبب می

شود بازیگران رویه های مشابهی را اتخاذ نمایند. تأکید والتز در تئوری رئالیسم ساختاری این است که ساختار آنارشیکی نظام بین الملل عامل تعیین کننده رفتار دولت ها و اهداف اقتصادی کشورها و اقتصاد بین الملل است. والتز معتقد است که چگونگی توزیع قدرت بین کشورها بر نوع و شکل اقتصاد بین الملل تأثیر گذاشته و رفتار اقتصادی کشورها را نیز تعیین می کند. از آنجا که کشورها از جایگاه مختلفی در نظام بین المللی برخوردارند، نقش و تأثیر آنها در اقتصاد بین الملل نیز متفاوت است.

### ۱-۱. واقع گرایی تدافعی

استفن والت، طراح تئوری موازنه تهدید فرمول بندی نوینی را از تئوری موازنه قدرت والتز ارائه داده است. والت کارش را با این پرسش آغاز می کند که امنیت در برابر چه چیزی باید باشد؟ او بر این باور است که امنیت بیش از آنکه در برابر قدرت مطرح شود، در برابر تهدید مطرح می شود. به باور والت تهدید و نه قدرت در قلب نگرانی های امنیتی دولت ها قرار دارد و بر این اساس دولتها ضرورتاً از قدرتمندترین دولت نمی ترسند، بلکه از دولت هایی می ترسند که بیش از سایر دولت ها تهدیدآمیز جلوه کند. تهدید به نوعی خود، تابعی از مجاورت جغرافیایی، توانمندی های تهاجمی، نیت و مقاصد تجاوزکارانه و در مجموع قدرت یک دولت است. درک نیت و مقاصد واقعی دولتها دشوار است به علاوه نیت و مقاصد دولت ها ممکن است تغییر کند. (Walt, 1987: 28) نزدیکی و مجاورت جغرافیایی نقش تعیین کننده ای در تهدید زایی و «ادراک تهدید» کشورها دارد به طوری کشورها از همسایگان قدرتمند خود بیش از کشورهای قدرتمندی که دور از آنها قرار دارند می ترسند و احساس تهدید می کنند. برای مثال اوکراین بیشتر از ایتالیا از قدرت روسیه احساس تهدید و خطر می کند (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۷: ۲۳۴). به طور کلی دولت ها هنگام مواجهه با یک تهدید برجسته دو استراتژی کلان را در پیش رو خود می گیرند، آنها یا استراتژی موازنه قوا را برمی گزینند و یا اینکه ناگزیر از اتخاذ استراتژی دنباله روی می شوند. موازنه به معنای اتحاد و ائتلاف با دیگران علیه تهدیدات است و دنباله روی به معنای پیوستن دولت تهدید شده به مرجع خطر یا تهدید آمیز ترین دولت است. والت می گوید اتحادها و ائتلافها تعهدات رسمی یا غیر رسمی جهت همکاری امنیتی بین دو یا چند دولت اند که به منظور افزایش قدرت و نفوذ و در نهایت امنیت دولت های عضو ایجاد می شود، گرچه اساس این الگوهای همکاری بر ترتیباتی متمایز استوار است، اما همگی آنها در یک عنصر ضروری مشترک یعنی تعهد به حمایت متقابل علیه برخی از

دیگر بازیگران در سیستم بین المللی سهیم اند (Walt, 1987: 9). بنابراین قدرت صرف مهم نیست و سایر عوامل نیز مهم اند.

از نظر والت آنچه که مهم است، و در روابط میان دولت ها، برداشت آنها از یکدیگر به عنوان تهدید است و نه صرف میزان قدرت هر یک از آنها. دولتها در برابر آن دسته از دولتهایی دست به موازنه می زنند که تهدیدی فوری نسبت به موجودیت یا منافع آنها باشند. در این بحث تأکید والت بیشتر بر تصور است و برداشت های دولت ها از یکدیگر است. والت معتقد است رویدادهای ناخوشایند از آن رو رخ می دهند که دولت ها در وضعیت های دشواری قرار دارند و دولت ها باید در پی دست یافتن به میزان "مناسبی" از قدرت و نه تمام قدرت باشند. اگر دولت ها در صدد دستیابی به چیرگی هستند، این نتیجه اولویت هایی است که در داخل رقم خورده است بنابراین به جستجوی قدرت برتر پاسخی خردمندانه به فشارهای سیستمی بیرونی نیست (Elman, 2017: 95).

## ۲. ویژگی ها و مؤلفه های قدرت ملی دولت ها

قدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته شود و برآیندی از توانایی های مادی و معنوی آن ملت محسوب شود، جنبه ای ملی پیدا می کند. به عبارت دقیق تر، مجموعه انسان هایی که تشکیل ملتی را داده که در شکل یک کشور سازمان سیاسی پیدا کرده اند دارای قدرتی می باشند که از برآیند قوای ترکیب شده آنها به دست می آید می توان آن را قدرت ملی آن کشور یا ملت دانست. چنین قدرتی حاصل ترکیب و جمع جبری وجوه مثبت و منفی عناصر و بنیان های قدرت آن کشور می باشد که از پویایی برخوردار بوده و نسبت به ملت ها و کشورهای دیگر قابل فهم و درک است. هانگ سوفنگ در اثرش با عنوان «قدرت ملی جامع» قدرت را چنین تعریف می کند: قدرت ملی عبارت است از: قدرت کامل و نفوذ بین المللی یک ملت هم در عرصه قدرت مادی ملت از آن برای بقاء و توسعه استفاده می کند (Suofeng, 2018: 102). قدرت ملی دارای منشأ و منابع گوناگونی است که در یک کارکرد جمعی به تولید قدرت می پردازند. قدرت ملی شکل دهنده به قدرت ملی کشورها در حوزه های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی قرار دارند (Hafezian, 2016: 5) مورگنتا نیز عوامل قدرت ملی را به دو دسته عوامل متغیر و ثابت تقسیم می کند (مورگنتا، ۱۳۹۶: ۱۹۷).

جدول ۱. مبانی و عوامل عمده قدرت ملی کشورها

عوامل	زیرمجموعه ها
اقتصادی	<p>۱- زیربناهای تولید: نظیر پس انداز ملی، سرمایه گذاری ملی، درجه تحرک سرمایه، عناصر و ظرفیت های حمل و نقل، انرژی، تولید آب، جا به جایی فعالیت های تولیدی، مدیریت، سطح تکنولوژی ها زمان و سیستم اقتصادی، نیروی انسانی تولید (مهندسين، مدیران، تکنسین ها و کادر فنی).</p> <p>۲- ظرفیت و ارزش تولید: نظیر تولید صنعتی، تولید کشاورزی، تولید دامی، تولید خدمات فنی و تخصصی.</p> <p>۳- سطح تولید: نظیر تولید ناخالص ملی، تولید سرانه، سطح خود اتکایی، مازاد تولید ملی، موفقیت بین المللی تولید، ترکیب بخش تولید (صنعت، کشاورزی، خدمات، انرژی و ...).</p> <p>۴- مبادله تولید: نظیر صادرات، واردات و موازنه تجاری توریسم.</p> <p>۵- ثروت و منابع ملی: نظیر و ام های اعطا شده خارجی، ذخایر ارزی بین المللی، سرمایه گذاری بین المللی، خدمات مالی (بانک، بیمه)، ثروت اتباع مقیم در خارج از کشور</p>
جغرافیای طبیعی	<p>۱- موقعیت: نظیر موقعیت ژئوپلیتیکی، استراتژیکی، ارتباطی، اقلیمی و طبیعی.</p> <p>۲- وضعیت: نظیر شکل، توپوگرافی، وضعیت مرزها، امنیت ملی.</p> <p>۳- وسعت فضا: نظیر فضاهاى عمران یافته، بایر، منتظر بهره برداری، عمق استراتژیک، مساحت و تراکم ها.</p> <p>۴- بنیادهای زیستی: نظیر آب خاک، پوشش گیاهی، آب و هوا و سرانه تراکم فضایی.</p> <p>۵- منابع طبیعی: نظیر منابع کانی فلزی و غیر فلزی و منابع انرژی های غیر فسیلی و پایدار.</p>
سیاسی	<p>ثبات سیاسی، کار این سازمان دولت رهبری و مدیریت سیاسی کشور، شکل دولت امنیت داخلی، سطح بوروکراسی، رابطه و سطح همبستگی ملت و حکومت، مشارکت سیاسی مردم.</p>
علمی و تکنولوژیک	<p>۱- زیربناهای علمی: نظیر تعداد دانشگاه ها و مراکز علمی و پژوهشی، اساتید، محقق، دانشمندان، نسبت تحصیل کردگان دانشگاهی به کل جمعیت تعداد معلمین، سهم بودجه علمی در تولید ناخالصی</p> <p>۲- سطح تکنولوژی: نظیر تکنولوژی های متعارف در حوزه های صنعت، کشاورزی و خدمت، ارتباطات و تکنولوژیهای نوین و برتر نظیر تکنولوژیهای ارتباطی و اطلاعاتی، فضایی دائمی، زیستی و ژنتیک، پزشکی و درمانی و بهداشتی، با نوبه الکترونیک و کامپیوتر، شبیه سازی، پژوهش های علمی و غیره به میزان بودجه و تحقیق و توسعه</p>

اجتماعی	۱- جمعیت: تعداد، ترکیب سنی، طول عمر، مرگ و میر عمومی، مرگ و میر کودکان. ۲- درجه تجانس و وحدت ملی (دینی، زبانی، قومی، نژادی). ۳- رفاه اجتماعی: درآمد سرانه، وضع درمان، سطح برخورداری از مسکن، سطح برخورداری از آب بهداشتی، ترکیب جمعیت شهری و روستایی، کالری مصرفی، توسعه انسانی.
فرهنگی	۱- سطح فرهنگی، درجه سواد، سرانه مصرف کتاب، سرانه مصرف مطبوعات، سرانه رادیو و تلویزیون، سرانه کامپیوتر، تعداد کاربرهای اینترنت، نهادها و شبکه های خبری و اطلاع رسانی. ۲- خصوصیت و روحیه ملی، خصلت های ملی (سخت کوشی، بردباری) باورهای ملی ۳- ایدئولوژی و اعتقادات ایمان و ایثار ملی ۴- میراث فرهنگی و تاریخ ملت و کشور
نظامی	کمیت و کیفیت نیروی انسانی، تجهیزات و وسایل و تسلیحات، کیفیت فرماندهی (استراتژی تاکتیک، هنرهای رزمی)، کیفیت سازمان، پشتیبانی و لجستیکی، ترکیب نیرو و تسلیحات استراتژیکی، نیروهای شبه نظامی، سهم بودجه نظامی در تولید ناخالص ملی، نسبت نیروهای نظامی به طول مرزها، نسبت بودجه دفاعی به طول مرزهای کشور
فرامرزی	رقبا و شرکای بین المللی، کفایت دیپلماسی، اتباع خارج از مرزها، وضع جایگاه (قوی، ضعیف، دوست، دشمن)، حضور و نقش در سازمان ها و نهاد های بین المللی، روابط فرهنگی و نفوذ فرهنگی و ایدئولوژیک، امنیت پیرامونی، پایگاه فرامرزی نظامی، نفوذ رسانه ای و خبری منطقه ای و جهانی علایق و دلبستگی های ژئوپلیتیکی.
فضایی	پایگاه های فضایی، ماهواره ها (مخابراتی، تجسسی و زمین شناسی)، سفینه های فضایی، سفرهای فضایی و غیره.

منبع: (Hafeznia, 2016: 10)

### ۳- منابع قدرت ملی ترکیه و ایران

به نظر واقع گرایان تدافعی تأثیر ساختار ظریف قدرت<sup>۱</sup> که متغیر سطح نظام نیست (و به معنای توزیع نسبی آن دسته از توانمندی های مادی است که دولت ها را قادر می سازد راهبردهای نظامی و دیپلماتیکی خاص را دنبال کنند)، مهمتر از ساختار خام با زمخت<sup>۲</sup> قدرت در دست یک دولت می باشد. بنابراین بررسی و تطبیق منابع قدرت مادی و نرم ایران و ترکیه برای تحلیل رقابت های سیاسی هر دو بازیگر ضروری به نظر می رسد.

### ۳-۱. منابع مادی قدرت ایران

قرار گیری ایران در منطقه خاورمیانه به دلیل موقعیت جغرافیایی، استراتژیکی و ژئوپلیتیکی، محل تلافی محورهای بزرگ ارتباطی زمینی و هوایی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا بسیار حائز اهمیت است. وجود ذخایر عمیق انرژی منطقه و نیز نبود ابر قدرت منطقه ای و رقابت قدرت های بزرگ برای ثروت های منطقه، سبب شده است خاورمیانه در کانون توجهات ابر قدرت ها قرار گیرد. قرار گیری ایران در این موقعیت جغرافیایی ویژه و داشتن ظرفیت ها و پتانسیل های متعدد، ایران را تبدیل به یکی از کشورهای بزرگ منطقه کرده است. ذخایر غنی نفت و گاز در حوزه خلیج فارس و دریای خزر آن چنان است که ایران پس از عربستان سعودی بیشترین ذخایر اثبات شده نفت جهان را دارد. به عبارتی با دارا بودن ۱۳۳/۳ میلیارد بشکه نفت، ۱۰ درصد از کل ذخایر جهان را به خود اختصاص داده است (گلشن پژوه، ۱۳۹۷: ۳۵۵). ایران پس از روسیه دومین دارنده ذخایر گاز جهان محسوب می شود. همچنین منابع متنوع و گسترده معدنی دیگری چون زغال سنگ، مس، آلومینیوم، گوگرد، اورانیوم، طلا، منگنز، روی و .. را دارا است. این منابع ایران را از نظر اقتصادی بسیار توانمند کرده است (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۸: ۹۶). گستردگی قلمرو جغرافیایی اکثریت جمعیت جمهوری اسلامی ایران را به صورت یک کشور بزرگ و بازیگر منطقه ای قدرتمندی در می آورد. این واقعیت عینی یا ادراکی ایران را بر می انگیزد تا درصدد بازیگری مؤثر منطقه ای و حتی جهانی جهت دستیابی به جایگاه مناسب یا برتر در منطقه به ویژه حوزه خلیج فارس برآید. از نظر جمعیتی و نیروی انسانی جامعه ایران و ویژگی ها و شاخصه های بسیار مهم و حتی منحصر به فردی دارد. یکی از عنصر عبارت این جمعیت جوان بودن آن است که می توان قدرت ملی ایران را در زمینه های اقتصادی، فناوری و علمی ارتقا ببخشد.

### ۳-۲. منابع غیرمادی ایران:

#### ۳-۲-۱. برداشتهای ذهنی و ادراکی

محیط روانی یا ادراکی نیز که به معنای تصورات و برداشتهای تصمیم گیرندگان از واقعیتها و شرایط بیرونی یا محیط عملیاتی است، نقش تعیین کننده ای در سیاست خارجی ایفا می کند. محیط روانی، تصورات، برداشتهای و ادراکات رهبران سیاسی است که از تعامل و برآیند دریافت های انتخابی آنها از شرایط و محیط خارجی به وسیله تصاویر وی از حوادث و پدیده های تاریخی و واقعی شکل می گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۸: ۷۲).



نوع نگرش نخبگان و تصمیم گیرندگان جمهوری اسلامی ایران به نظام بین المللی و منطقه ای تصور آنان از هویت و جایگاه و نقش ایران برداشت آنها از اهداف و اولویت های ایران و ادراک آنان از چگونگی و شیوه اجرا و اعمال سیاست خارجی، تأثیر بسزایی بر رفتار سیاست خارجی آن داده به ویژه ارجحیت های راهبرد جمهوری اسلامی عامل بسیار مهمی در تعیین سیاست خارجی ایران است. علاوه بر موارد فوق، توزیع نسبی مقدرات و ساختار قدرت داخلی، نوع تصاویری که تصمیم گیرندگان ایران از دوستان و دشمنان در سطح منطقه و جهان دارند و نیز برداشت های ذهنی رهبران از بده بستان با دولت های منطقه ای دارند، و به تبع آن رفتار ایران بوده مؤثر است.

### ۳-۲-۲. سیاست داخلی:

منظور از عرصه سیاست داخلی از نظر واقع گرایان تدافعی، دولت در برابر جامعه مدنی، ائتلافات سیاسی، عرصه سیاست سازمانی، و روابط میان بخشهای لشگری و کشوری جملگی توانایی رهبران در بسیج منابع تحت تأثیر قرار می دهند. قدرت بنیان ملی به معنای توانایی بسیج منابع مادی و انسانی دولت بسیار اهمیت پیدا می کند. (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۴).

سیاست داخلی به ویژه نقش مؤثر در سیاست ها و اهداف برنامه ریزی شده میان و بلند مدت دارد. چون قدرت دولت به معنای حکومت مرکزی برابر با قدرت و منابع جامعه مدنی نیست. لذا قدرت سیاسی ملی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از توانایی رهبران آن در بسیج منابع مادی و انسانی برای حمایت از اهداف سیاست خارجی دولت. از این رو حکومتی که قادر به بسیج کامل و لازم منابع ملی برای پشتیبانی از سیاست خارجی خود نباشد، نمی تواند به طور مقتضی و مناسب به اجبارها و الزامات نظام بین الملل پاسخ دهد. بر این اساس، دشمن مشترک شوروی و جمهوری اسلامی با آمریکا در دوران جنگ سرد باعث اتحاد و ائتلاف ایران و شوروی بر ضد آمریکا نشد. (دهقانی قیروز آبادی، ۱۳۹۷: ۲۸۸). پس پایگاه قدرت اجتماعی دولت بر رفتار سیاست خارجی آن تأثیر می گذارد. ترکیب ایدئولوژی اسلام، ملت گرایی اسلام و توان نهادها و دیوان سالاری های دولتی نیز نقش اساسی در توانایی بسیج منابع ملی برای تعقیب و تأمین اهداف سیاست خارجی دارد.

### ۳-۳. منابع قدرت ملی ترکیه:

#### ۳-۳-۱. منابع مادی قدرت ملی ترکیه:

کشور ترکیه محل اتصال دو قاره آسیا و اروپاست و همچون پلی اروپا را به منطقه مهم و استراتژیک خاورمیانه متصل می‌سازد، به طوری که از مشرق با ایران، از شمال شرقی با ارمنستان و از مغرب با بلغارستان و از جنوب با عراق و سوریه همجوار است. موقعیت خاص جغرافیایی ترکیه موجب شده است که این کشور از موقعیت استراتژیکی هم برخوردار باشد. این سرزمین همانند پلی دو منطقه مهم و استراتژیکی بالکان و خاورمیانه را به یکدیگر متصل می‌کند (طاهری، ۱۳۹۶: ۱). موقعیت اقتصادی کشور ترکیه از حیث داشتن منابع انرژی جزء کشورهای نه چندان غنی محسوب می‌شود. این کشور در زمینه انرژی اولیه (مجموع منابع نفت و فرآورده های نفتی، گاز طبیعی و فرآورده های آن، الکتروسیته و ذغال سنگ و سوخت های تجدیدپذیر) به صورت کلی واردکننده محسوب می‌شود (کمپ، ۱۳۹۸: ۱).

افزایش مصرف انرژی و محدودیت منابع داخلی انرژی نیازهای تکنولوژیک موقعیت جغرافیایی باعث گردیده تا مبحث مثبت انرژی اهمیت خاصی برای دولت ترکیه داشته باشد. اهمیت انرژی در کوتاه مدت تأمین انرژی مورد نیاز در صنایع و مصرف خانگی است. حدود ۷۴٪ انرژی موردنیاز ترکیه از منابع خارجی تأمین می‌گردد. بیش از ۹۸ درصد نفت و گاز طبیعی مصرفی ترکیه از منابع خارجی تأمین می‌شود (Babali, 2018: 4). از نظر منابع انسانی ترکیه همچون ایران دارای جمعیت نسبتاً زیاد بوده و دارای برنامه های متعدد توسعه انسانی است. (نقدی نژاد، ۱۳۹۸: ۱۱۲).

#### ۳-۴. منابع قدرت ملی غیرمادی ترکیه

##### ۳-۴-۱. برداشت های ذهنی و ادراکی تصمیم گیرندگان ترکیه:

رهبران ترکیه در یک دهه اخیر با برداشت های ذهنی و ادراکی متفاوت از سیاست خارجی متفاوتی را در هر دوره در پیش گرفته اند. برای مدت طولانی به خصوصی در طول جنگ سرد، غرب و غربی شدن جهت گیری اصلی سیاست خارجی ترکیه بوده و علی رغم اشتراکات تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی، شرق و خاورمیانه چندان جایگاهی این کشور و سیاست خارجی آن نداشت. این امر را می توان تا حدی ناشی از ویژگی های دوران جنگ سرد دانست که ساختار نظام بین المللی جهت گیری های سیاسی و امنیتی کشورها را بر آنها تحمیل می کرد و ترکیه نیز تحت این شرایط نسبت به خاورمیانه نسبتاً بی تفاوت بود و پایان جنگ سرد فرصت

برای باز اندیشی رهبران این کشور فراهم آورد. تا با درک نوین از تحولات بین المللی و منطقه ای به ترسیم اهداف و منافع جدید برای خود بپردازند. با روی کار آمدن احمد داوود اگلو وزیر امور خارجه ترکیه، و طراحی دکترین "عمق استراتژیک" چرخش سیاست خارجی ترکیه به شکل نوینی به خود گرفت (CSIS, 2017: 45).

### ۳-۴-۲. عرصه سیاست داخلی ترکیه:

در عرصه سیاست داخلی ترکیه آن چیزی که بیشتر می توان تحلیل کرد، تلاش این کشور بر رفتار و تعاملات با غرب به ویژه اتحادیه اروپا است. ترکیه حدود پنج سال است که برای ورود به اتحادیه اروپا تلاش می کند اما در آخر صف ایستاده است. در حالی که کشورهای تازه وارد به مذاکرات الحاق وضعیت بهتری دارند. چنان که ساموئل هانتینگتون معتقد است «لهستان، اسلونی، لیتوانی صعود خواهند کرد. اما ترکیه نه! زیرا اتحادیه اروپا متقد است که به کلپ آنها تعلق ندارند و شاید دلایل آن فرهنگی باشد» (Davotoglu, 2018).

در عرصه سیاست داخلی، دولت اردوغان برای ایجاد انسجام و یک دستی جامعه و نزدیکی به غرب اصلاحات زیادی انجام داد مثل (۱) بررسی هزینه های ارتش از سوی دیوان محاسبات (۲) تساوی حقوق زن و مرد (۳) انحلال دادگاه های امنیت ملی، حذف نماینده ستاد ارتش از شورای آموزش عالی، بهبود وضعیت آزادی رسانه ها، پذیرش برتری حقوقی قراردادهای بین المللی نسبت به حقوق داخلی، تغییرات منطقه سازمان آموزش عالی، پذیرش حق برخورداری کرد، از برنامه های رادیویی و تلویزیونی اصلاحات دولت اردوغان در صورت تصویب نهایی نقش ارتش را که قصد دارد جایگاه برتر خود را در جامعه تثبیت کند، بسیار کمتر می کند و نقش فرا قانونی و فرا حکومتی آن را به چالش می کشد؛ البته این اصلاحات بخشی از علیت بزرگتر و جامع تری است که با هدف دموکراتیک کردن حکومت و رسیدن به استاندارد های عضویت در اتحادیه اروپا صورت می گیرد (قهрман پور، ۱۳۹۸: ۱۶۴). این واقعیت بر هیچ کس پوشیده نیست که نظام سکولاریستی ترکیه در دهه های گذشته با تکیه بر نیروی ارتش بر ملت ترکیه تحمیل شده است، نظامی که اکثر مردم ترکیه آن را نمی پسندند (عجاج، ۱۳۹۷: ۲۳).

نکته جالب در مورد ساختار سیاسی ترکیه اینجاست که با وجود ماهیت سرکوب در ذات قدرت به جهت نهادینه شدن نهادهای مدنی و موقعیت احزاب، راه برای مبارزه و دستیابی به قدرت در شرایطی برای نیروهای مخالف مسدود است، به احتمال زیاد این خصوصیات دوگانه آسیایی-اروپایی ریشه در ماهیت نیمه دموکراتیک قانون اساسی، ارتباط سیاسی-اجتماعی با

اتحادیه اروپایی، وجود یک اقلیت بزرگ کرد، توازن بین قدرت نظامیان و سیاسیون، ناسیونالیسم ترکی که قبل از همتایان عرب و ایرانی محاسبه خود وارد شد دموکراتیزاسیون شد و مهم تر از همه ساختار اقتصادی مبتنی بر تولید و تجارت و توریسم در مقابل اقتصاد مبتنی بر نفت همسایگان بوده است.

#### ۴. رویکرد سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال همسایگان و قدرت های بزرگ

نقش و رفتار سایر دولت های منطقه ای و فرمانطقه ای در فراهم آوردن بستر های لازم برای طرح یک قدرت برتر منطقه ای ضروری است. به عبارتی دیگر، ارتقای جایگاه یک دولت در سطح منطقه یا حتی جهان نیازمند اتخاذ رفتار های مسئولانه دولت مزبور در قبال همسایگان است. پرهیز از سیاست های تنش آمیز، در پیش گرفتن سیاست های مسالمت آمیز و از همه مهم تر اینکه رفتار دولت باید به گونه ای باشد که سایر دولت های منطقه ای احساس ناامنی و خطر در صورت ارتقای قدرت آن دولت را نداشته باشند. به عبارتی دیگر سیاست ها و رفتار های آن ایجاد معمای امنیتی در منطقه ننماید (Lobell, 2019: 62)

روابط مسالمت آمیز استراتژیکی با قدرت های بزرگ جهانی به ویژه ایالات متحده به عنوان هژمون جهانی می تواند نوعی اجماع جهانی را برای دولت ایجاد کند و راه صدر نشینی آن را هموار ترسازد. استفاده از منابع قدرت نرم و اقناع دولت های دیگر در مجامع بین المللی و استقبال دولت های بزرگ و کوچک منطقه ابزاری کمک کننده است. بنابراین رضایت و پذیرش ضمنی سایر دولت ها در طرح قدرت منطقه ای یک دولت مستلزم استفاده از منابع مادی و غیر مادی و فرصت های مطلوب در سیاست خارجی است.

در مورد ایران و تبدیل شدن آن به یک قدرت منطقه ای، تعقیب استراتژی دعوت به اسلام شیعی و تبدیل شدن به یک ام القرای جهان اسلام را می توان به عنوان اصلی ترین محرک های ایران در این مسیر تلقی کرد. جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت ایدئولوژیک نظام حاکم بر آن از یک سو و توان و پتانسیل فراوان جمعیتی، سرزمینی، اقتصادی، ویژگی های خاص ژئوپلیتیکی و موقعیت استراتژیک آن در منطقه خاورمیانه از سوی دیگر طبیعتاً تمایل دارد که به قدرتی مسلط در منطقه تبدیل شده و از این طریق اولاً دیدگاه ها و اهداف ایدئولوژیک سیاست خارجی خود را پیش ببرد و ثانیاً از نفوذ دشمنان خود در منطقه جلوگیری می کند و ثالثاً به عنوان مدل و الگوی اصلی کشورهای منطقه مطرح شود. اما مهمترین عاملی که

جمهوری اسلامی ایران می تواند به آن به عنوان سلاح اصلی و برگ برنده خود در منطقه تکیه کند، ژئوپلیتیک شیعه و تأثیر گذاری عمیق بر شیعیان خاورمیانه می باشد ( Cetinsaya, 162-163: 2017). این جریان باعث شده تا حتی متخصصین ترک نیز به ژئوپلیتیک شیعه به عنوان یک تهدید منطقه ای علیه خود توجه کنند. زیرا تأثیرگذاری ایران بر شیعیان خاورمیانه در کنار امکان دستیابی ایران به توان هسته ای می تواند توازن منطقه ای را شدیداً به نفع ایران تغییر دهد. جمعیت شیعه ترکیه- جعفری ها- که تعداد آنها در حدود سه میلیون نظر برآورد می شود نیز عامل دیگری برای نگرانی ترک ها از تأثیر گذاری ایران در منطقه است. بنابراین دولت لائیک ترکیه، بخشی از مشکلات داخلی خود از جمله رشد اسلام گرایی را متأثر از انقلاب اسلامی ایران می داند. احتمالاً این تصور در ذهن دولت مردان ترک وجود دارد که کمک اسرائیل و آمریکا نظام حکومتی ترکیه را حفظ می کند و جلوی رشد اسلام گرایی را می گیرد (شکوهی آذر، ۱۳۹۶: ۷).

همچنین ایران و ترکیه موقعیت خاص استراتژیک در منطقه دارند که این موقعیت و مرهون جغرافیایی است که در آن ایران و ترکیه، پل ارتباطی شرق و غرب هستند. ایران به عنوان کشوری با تمدن و فرهنگ، فرهنگ باستانی، موقعیت جغرافیایی- اقتصادی راهبردی و نیروی انسانی عظیم است. ترکیه هم کشور مهمی در اوراسیا، با اقتصاد روبه رشد و در حال ادغام در اقتصاد جهانی و در روند همکاری با اتحادیه اروپاست. این دو کشور اشتراکات تاریخی، فرهنگی، دینی و اجتماعی زیادی دارند. با این حال در سیاست منطقه ای ترکیه و ایران، در دو قطب مخالف عمل می کنند. این قطبی شدگی منطقه ای را باعث محدودیت های عمل ایران و ترکیه در منطقه از جمله سوریه و عراق شده است. در حالی که ترکیه به همراه عربستان و قطر، به دنبال حمایت از گروه های تکفیری و تروریستی و تغییر دولت در عراق و سوریه است اما ایران پشتیبان این دولت ها و گروه های متفاوت است.

حمایت دولت مردان ترکیه از تروریست ها سبب بروز شک و تردید های جدی در افکار عمومی و نخبگان منطقه در برابر ماهیت واقعی اهداف سیاست خارجی ترکیه پدید آورده است. بسیاری معتقدند که ترکیه به دلیل منافع اقتصادی، ژئوپلیتیکی و سیاسی در عراق و سوریه برای بسط نفوذ سیاسی خود در این دو کشور به شکل اعلام نشده ای در روند کار ائتلاف علیه تروریست ها کارشکنی می کند. این امر به اعیان ترک ها در داخل و خارج آسیب می زند و هم به اهداف و منافع آنها در عراق و سوریه ضربه می زند. به گونه ای که فرصت ها را از آنها

سلب کرده و تهدیدهایی زیادی فرا روی ترکیه قرار می دهد (دهقانی، ۱۳۹۶، ۲۰-۰). تغییر رویکر در سیاست خارجی ترکیه بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه ناشی از برداشت مقاومت نخبگان این کشور از واقعیات بین المللی و منطقه ای تحت تأثیر عوامل داخلی از یک سو و عوامل خارجی از سوی دیگر است. رفتارهای نوین ترکیه در منطقه به شدت متأثر از افکار و هنجارهای احمد داوود اغلو است. مفروضات ذهنی داوود اغلو در عرضه سیاست خارجی متأثر از فعالیت های دانشگاهی و برداشت های خود از تاریخ ترکیه در دهه ی جنگ سرد است. سیاست خارجی جدید ترکیه و برداشت آن از نقش ترکیه به مشابه یک قدرت منطقه ای در کتاب عمق استراتژیک مهمی تبلور یافته است (Kardash, 2017: 112)

از نظر داوود اغلو ترکیه باید درباره نقش و گسترش نفوذ منطقه ای خود را گام به گام برای رسیدن به یک نقش جهانی تغییر دهد (Davutoglu, 2018: 43). فرضیه که حزب عدالت و توسعه با در پیش سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان گام مهمی در تنش زایی با همسایگان در منطقه برداشت اما برگزیدن موانع متناقض در عمل در داخل و با انتقادات و مخالفت های احزاب و گروه های مدنی و اجتماعی رویه رو بوده است. بر طبق تئوری واقع گرایی تدافعی یکی از عوامل قدرت کشورها سیاست عرضه داخلی به معنای انسجام درونی بین دولت و افکار عمومی و گروه های مدنی است. احزاب مخالف و گروه هایی از مردم با طرح این استدلال که سیاست های دولت ترکیه باعث به خطر افتادن اعتبار، منافع و امنیت کشور شده است. مهمترین چالش دولت ترکیه در عرضه خارجی را باید برگزیدن مواضع حمایت گرایانه در برابر اقدام های تروریستی در عراق و سوریه دانست. حمایت دولت مردان ترکیه از تروریست ها سبب بروز شک و تردیدهای جدی در افکار عمومی و نخبگان منطقه در برابر ماهیت واقعی اهداف سیاست خارجی ترکیه را پدید آورده است. علاوه بر کشورهای مسلمان منطقه خاورمیانه، از جمله ایران، برگزیدن مواضع متناقض آنکارا سبب رنجش متحدان حزبی ترکیه، به ویژه ایالات متحده آمریکا نیز شد. این مشکل از زمانی آغاز شد که ترکیه بر سه دوراهی همکاری با تروریست ها و همراهی با ائتلاف ضد داعش قرار گرفتند. از سویی ترکیه ناگزیر از حمایت از عملیات نظامی ائتلاف علیه گروه های تروریستی داعش و النصره شود، از سوی دیگر به دنبال بسترسازی برای سقوط دولت های عراق و سوریه با حمایت از تروریست ها بود (قهرمان پور، ۱۳۹۸).

آنکارا پس از ناامید شدن از دمشق برای آغاز فرایند اصلاحات ساختاری و تشدید خشونت‌ها تمام ملاحظات مربوط به اصل تنش زایی در روابط منطقه‌ای را نادیده گرفت و با روش‌های مختلفی مانند میزبانی از مخالفان رژیم اسد در قالب شورای ملی سوریه، ایجاد اردوگاه‌های پناهندگان سوریه، پذیرش برخی نظامیان پناهنده و فراهم کردن زمینه تسلیح ارتش آزاد سوریه و برگزاری نشست‌های بین‌المللی، درصدد براندازی دوست بشاراسد آمد، این تغییر رویه در قبال سوریه در حالی اتفاق می‌افتاد که دولت اردوغان در چند سال گذشته مهم‌گسترده‌ترین روابط سیاسی و اقتصادی با دمشق برقرار کرد و هم‌حمایت قابل توجهی از سوریه برای خروج از انزوای سیاسی دمشق پس از ترور رفیق حریری انجام داد (Cornell, 2017: 65). درواقع، مهمترین عامل رقابت ایران و ترکیه در مورد بحران سوریه مربوط به اختلاف دیدگاه دو کشور به ماهیت بحران در سوریه بر می‌گردد. ایران ریشه بحران سیاسی را در سوریه نه داخلی بلکه «توطئه دولت‌های غربی برای نابودی جبهه مقاومت ضد صهیونیستی» و بازیگران بحران را نیز تروریست‌های مزدور داخلی و خارجی می‌داند. اما دولت ترکیه ماهیت بحران سیاسی در سوریه را همچون تحولات مصر و لیبی و یمن به مثابه یک جنبش انقلابی می‌داند و قیام مخالفان سیاسی مسلح دولت بشار اسد را مبارزه برای دستیابی به حکومت مردمی و دموکراتیک تلقی می‌کند. بر این مبنا، مواضع و رویکرد ترکیه و ایران در نقطه مقابل هم قرار دارد و تفسیر ژئوپلیتیکی و امنیتی برخی رهبران حزب حاکم ترکیه از سیاست خارجی جمهوری اسلامی و ایران نشانگر عمق اختلاف بین مواضع دو کشور در بحران سوریه می‌باشد (Barkey, 2018: 78). سینان دوغان نماینده پارلمان ترکیه و رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک بین‌المللی ترکیه در تحلیل سیاست‌ها و رفتارهای منطقه‌ای ایران در سوریه معتقد است: «ایران همیشه می‌خواهد جبهه جنگ با دشمنان خود را در فراسوی مرزهای خود نگه دارد. سوریه یکی از این جبهه‌هاست که بار دیگر بهار غربی به آن جا دولت ایران سخت نگران شده است. با فروپاشی دولت اسد، ایران یکی از جبهه‌های خارجی خود را خواهد باخت و این به منزله عقب کشیده شدن میدان جنگ دولت ایران با کشورهای غربی به مرزهای خاکی خود است که دولت ایران را سخت نگران کرده است» (Davotoglu, 2018). ایران نیز به دفعات مکرر سیاست ترکیه در قبال سوریه را خصمانه و مغایر با اصول سیاست منطقه‌ای و منافع با امنیت این کشور و در راستای اهداف و استراتژی قدرت‌های غربی تعریف کرده است و ترکیه را مهره اجرایی این اهداف دانسته است (موسوی، ۱۳۹۷: ۵۷). استقرار سپر دفاع موشکی

در خاک ترکیه، مداخله آنکارا در امور عراق و حمایت از اقلیت های مذهبی قومی در برابر دولت مرکز عراق تلاش برای ترویج اسلام سیاسی خاص و دولت های سکولار، تغییر نسبی مواضع در مسئله هسته ای ایران و مشارکت در تحریم های یک جانبه و حمایت ضمنی از برخی فعالیت های قوم گرایانه آذربایجانی های ایران در خاک ترکیه مسائلی هستند که پس از بحران سوریه روابط دو کشور تحت تأثیر قرار داده اند.

درخواست رسمی آنکارا از ناتو برای استقرار سپر دفاعی در برابر تهدیدات سوریه در نیمه اول آبان ۱۳۹۶ و پذیرش این درخواست از طرف وزرای خارجه کشورهای عضو ناتو در نشست ۱۴ آذر و آغاز عملیات نصب این سیستم در دی ماه، بیش از پیش روابط کشور را با تنش و بی اعتمادی مواجه نموده است. همچنین تغییر تدریجی مواضع ترکیه در مسئله هسته ای و اظهارات پس از بازگشت ایران در فروردین ۱۳۹۶ و همراهی تدریجی ترکیه در اعمال تحریم های یکجانبه غرب را می توان از دیگر پیامدهای تأثیر بحران سوریه بر روابط دو کشور داشت. بر این اساس، وزیر انرژی ترکیه در اوایل سال ۱۳۹۶ اعلام کرد: ترکیه در چند مرحله واردات نفت خود را از ایران تا آخر ۲۰۱۷ تا ۲۰ درصد کاهش می یابد (سلیمی، ۱۳۹۶: ۲۱). این رفتار آنکارا را می توان همسویی با غرب و اعمال فشار غیر مستقیم بر ایران و در واکنش به سیاست ایران در سوریه دانست.

میزبانی برخی گروه های قوم گرای آذربایجانی و آغاز فعالیت تشکلی با نام شورای ملی ترک های آذربایجان ایران در آنکارا و پوشش رسانه ای این فعالیت ها توسط برخی محافل، نزدیک به حزب حاکم مانند نشریه «تودی زمان»<sup>۱</sup> نمونه دیگری از تغییر رویه دولت اردوغان در سیاست عدم مداخله در مسائل داخلی کشور های همسایه می باشد. موضوعی که در سال های گذشته حساسیت زیادی در روابط دو کشور داشته است و دولت ترکیه به خاطر دو چالش داخلی خود یعنی ناسیونالیسم کردی و نیز جنبش اسلام گرایی سعی داشتند برای پیش گیری از تحریک ایران از ورود به مسائل آذربایجان ایران اجتناب کند (بنی هاشمی، ۱۳۹۷: ۱۸۲).

بعد از تحولات اخیر جهان عرب، استراتژی ایجاد توازن ترکیه در خصوص تحولات منطقه تغییر کرده و ترکیه به طور فعال در صدد تقویت محور سنی در منطقه و نقش آفرینی در قالب آن برآمده است. تخریب روابط ایران و ترکیه و شکاف بین این دو کشور منجر به نزدیکی هر چه بیشتر طرف ترکیه به اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس شده است که نهایتاً به

<sup>1</sup> Tody Zaman



تقویت قطب سنی منجر شده . تجاوز عربستان سعودی به یمن نیز از جمله مسائلی است که رابطه ایران و ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است. رجب طیب اردوغان تهران را متهم به دخالت در امور داخلی یمن کرده و از آن خواسته است نیروهای خود را از آنجا خارج کند. ترکیه علاوه بر نزدیک شدن به عربستان، در ابراز نگرانی نسبت به اقدامات ایران در منطقه با سعودی ها هم صدا شده و یک از بیست و شش نمونه های آن همراهی این کشور با طرف سعودی در مخالفت با بشار اسد است. گنول تول مدیر مرکز مطالعات ترکیه در مؤسسه خاورمیانه واشنگتن معتقد است : «دلیل عمده آنکارا برای برقراری روابط عمیق سعودی ها مربوط به تلاش این کشور برای موازنه روز افزون با ایران در منطقه است» (Kardash, 2017).

### نتیجه گیری

همانطور که گفته شد از منظر تئوری نوواقع گرایان به ویژه تقریر استفن والت از آن، بازیگران در فضای فقدان یک اقتدار مرکزی در نظام بین المللی و عدم اعتماد متقابل دولت ها به نیت های یکدیگر، برای رشد و ارتقای جایگاه خود نیاز به تقویت و افزایش میزان قدرت مادی خود به ویژه قدرت نظامی و اقتصادی و نیز گسترش پیوندهای بین المللی با سایر بازیگران دارند و در این فضا می بایست وضع موجود را پذیرا باشند و درصدد تغییر آن بر نیایند. اما به گفته استفن والت در مناطقی که دولت ها در مجاور یکدیگر قرار دارند، بیش از آنکه فقدان اقتدار مرکزی و انباشت قدرت بر رویکردها و سیاست خارجی آنها تأثیر گذار باشد، نیت ها و برداشت های ذهنی رقبا از اقدامات و تعاملات یکدیگر تأثیر گذارتر است. بنابراین سعی دولت های همسایه بر این است که بتوانند با استفاده از تمامی ظرفیت های مادی و غیر مادی خود برای برقراری یک توازن تهدید و جلوگیری از برهم خوردن توازن قدرت تلاش کنند. به عبارتی لازمه ایجاد توازن قدرت در منطقه از سوی دولت های همسایه، ایجاد یک توازن تهدید است. تلاش ایران و ترکیه برای بهره گیری از حداکثر توان داخلی و خارجی خود برای ارتقای جایگاه خود در منطقه این ترکیب این دو توازن را به خوبی نشان می دهد. هر دو کشور دارای منابع ملی معتبر و چشم گیر برای افزایش انباشت قدرت نسبی خود در منطقه هستند؛ اما ظرفیت ادراکی این دو بازیگر از محیط بین المللی و منطقه ای تأثیر بسزایی در کنش آنها در برابر رویدادهای منطقه ای داشته است. ایران قدرتی که حاضر به پذیرش وضع موجود منطقه ای و بین المللی و به ویژه حضور ایالات متحده در منطقه و به ویژه در حوزه های نفوذ خود مانند

عراق و سوریه و لبنان و یمن نیست. حمایت های معنوی و مادی از دولت قانونی سوریه، و عراق به ویژه شیعیان این دو کشور و مبارزه با تروریست های افراط گرا نمودی از تلاش ایران برای اثبات خود به عنوان یک قدرت برتر و توانمند و با نفوذ در تحولات منطقه ای است؛ اما نوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال نظام بین الملل که بر مبنای عدم پذیرش آن و ناعادلانه دانستن آن است و عدم پذیرش قدرت های بزرگ در منطقه به ویژه در حوزه های نفوذ خود، باعث شده است که نیت ها و اقدامات این دولت از سوی همسایگان به ویژه دولت ترکیه با سوء ظن نگریده شود و مسیر ارتقای منطقه ای آن با چالش های بسیاری روبه رو گردد. دولت ترکیه نیز با داشتن منابع عمده مادی و غیر مادی داخلی به عنوان یک بازیگر توانمند درصدد اثبات خود به عنوان یک قدرت برتر در منطقه بوده است. اما گام های این دولت برای افزایش رشد و ارتقای جایگاه نسبی آن در منطقه متفاوت تر از ایران بوده است. دولت ترکیه برخلاف جمهوری اسلامی ایران اساس نظام بین الملل موجود را پذیرفته و همکاری با قدرت های بزرگ نظام به ویژه ایالات متحده را خط مشی خود قرار داده است و این امر منجر به ارتقای وجهه ترکیه در نظام بین المللی و هموار شدن مسیر ارتقا و رشد آن در منطقه شده است. اما تغییر رویکرد های این دولت با روی کارآمدن حزب عدالت و توسعه در قبال همسایگان و تحولات جدید منطقه مانند بحران سوریه، و حمایت این دولت از افراط گرایان و پناه دادن آنها در خاک خود، و حملات نظامی به بخش های از خاک سوریه منجر به ایجاد یک احساسی خطری از سوی دولت های دیگر منطقه از جمله ایران شد. درک خطر افزایش قدرت ترکیه در منطقه و احتمال پیروزی افراط گرایان و نزدیک شدن ناتو و اسرائیل به مرزهای ایران منجر به افزایش تلاش ایران برای رقم زدن تحولات منطقه به نفع خود شد. از این رو ایران با گسترش روابط خود با قدرت بزرگ دیگر مانند روسیه و چین و ارتقای همکاری با دولت های منطقه مانند قطر و عمان و حمایت های گسترده مادی و غیر مادی از دولت های سوریه و عراق سعی کرد تا توازن تهدید را در منطقه ایجاد کند و افزایش نفوذ قدرت ترک ها در منطقه جلوگیری نماید. بنابراین مجدداً با رشد نفوذ ایران در منطقه به ویژه پس از مدیریت بحران موفقیت آمیز آن در جنگ سوریه، یمن و عراق، تصمیم گیرندگان ترکیه این تهدید را حس کردند که اگر در مقابل این افزایش نفوذ قدرت ایران در منطقه اقدامی صورت ندهند، احتمال بر هم خوردن توازن قدرت منطقه وجود خواهد داشت. لذا با دخالت و هجوم به خاک سوریه و حمایت های گسترده از عربستان در جنگ با یمن و گسترش روابط خود با اسرائیل و ناتو

درصد ایجاد یک توازن مجدد تهدید در منطقه برآمدند. بنابراین می توان گفت تلاش این دو قدرت در منطقه برای کسب جایگاه بهتر و مناسب تر منوط به برداشت ذهنی این دو بازیگر از اقدامات یکدیگر در محیط منطقه ای و نوع تعامل با دولت ها و قدرت های بزرگ منطقه ای و فرامنطقه ای است و انباشت قدرت مادی بیشتر لازمه کسب یک جایگاه بهتر در منطقه خواهد بود اما کفایت نخواهد نخواهد کرد.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- بنی هاشم، میرهاشم (۱۳۹۷). «سیاست خارجی نوین ترکیه و موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال اول، شماره ۴.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۸). «واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر سمت.
- دهقانی، رضا (۱۳۹۶). «الگوهای ساختاری و اجرایی دیپلماسی فرهنگی ترکیه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره ۴.
- سلیمی، صالح (۱۳۹۶). «گسست روابط ایران و ترکیه و عواقب احتمالی آن»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۳.
- شکوهی آذر، فاطمه (۱۳۹۶). «سیاست خارجی ایران و همگرایی نظامی ترکیه و اسرائیل»، دیدگاه‌ها و گزارش‌ها، خاورمیانه.
- طاهری، معصومه (۱۳۹۶). «ژئوپلیتیک ترکیه»، سایت خبری ترکیه، تاریخ دسترسی، ۱۳۹۸/۳/۱. [www.Turkiye.com](http://www.Turkiye.com)
- عجاج، محمود (۱۳۹۷). «ایران - ترکیه»، سایت خبری جام جم آنلاین، تاریخ دسترسی، ۱۳۹۹/۳/۱. [www.jamejamonline.ir](http://www.jamejamonline.ir)
- قهرمان پور، رحمان (۱۳۹۸). «آینده روابط ترکیه و غرب»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال یازدهم، شماره ۱.
- قهرمان پور، رحمان (۱۳۹۸). «مسئله کرد و روابط ایران و ترکیه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نهم، شماره ۲.
- کمپ، جفری (۱۳۹۸). جغرافیای استراتژیک، ترجمه اسیدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

گلشن پژوه، محمد رضا (۱۳۹۷). **جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم**، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴). **تحول در نظریه های روابط بین الملل**، تهران: سمت.

مورگنتا، هانس جی (۱۳۹۶). **سیاست میان دولت ها**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه.

موسوی، میرمحمد (۱۳۹۷). «بحران سوریه و تفسیرهای متفاوت ایران و ترکیه»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، سال نهم، شماره ۲.

نقدی نژاد، حسن (۱۳۹۸). **روابط ایران و ترکیه: حوزه های همکاری و رقابت**، تهران: معاونت پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی.

#### ب) منابع انگلیسی

Babali, Tuncay (2018). "The Role of the energy in turkey`s relations with Russia and Iran", **Center for strategic and International Studies**, [http:// CSIS.org/files/](http://CSIS.org/files/).

Barkey, Henry j (2018), "Turkish Energypolicy and the Middle East", **In Sight Turkey**, Vol. 10, N. 10.

Cetinsaya, Gokhan (2017). " Turkish-Iranian Relations Since the Renvalution`s, **Turkish Review of Middle East Studies**. Vol. 26, No. 1.

Cornell, Svante E (2017). "What Drive Turkish Foreign Policy? Change in Turkey", **Middle East Quarterly**, Vo.1, No.2.

Davotoglu, Amet (2018). " Turkey`s Foreign Policy Rising: an Assessment of 2018", **In Sight Turkey**, Vol: 10, N. 10.

Donnelly, Jack (2017). **Realism and International Relations**, **Cambridge University Press**.

Elman, colin (2017). **Realism in Guiffths, ed. International relations theory for the Twenty First century**, Landon: Routledge.

Foreign minister of turkey Amet Davotoglu (2017). "Turky`s foreign policy in a changing world", **Center for Strategic and International Studies (CSIs)**. Whashington/D.C.

Hafeznia, mohammadreza (2016). **Power and National Interests**, Entekhab Publication, Tehran.

Hafeznia, mohammadreza (2016). **Principles and Concepts of Geopolitics**, PoPoli Publication, Mashhad,

Kardash, S (2017). "Turkey: Redrawing the Middle East Mapbuilding Sand castles?", **Middle East Policy**, Vol. XVI, No.1.

Kardash, S (2017). "Turkey: Redrawing the Middle East Mapbuilding Sand Castles?", **Middle East Policy**, Vol. XVI, No.1.

Lobell, Steve. Eretal (ed) (2019). **Neo Classical Realism, the State and Foreign Policy**, Com bridge: Cambridge.universityPress.

Suofeng, Huang (2018). **Comperhensive National Power Studies**, Chinese Academey of Socal Press

Taliaferro, Jeffrey (2016). "State Building for Future Wars: Neoclassical Realism and the Resource Extracive stata", **Journal of Security Studies**, Vol. 2, No. 3.

Walt, Stephen M (1987). **The Origins of Alliance**, Cornell University press.

Wieclawski, Jacek (2018). "Contemporary Realism and the Foreign Policy of the Russian Federation", **International Journal of Business and Social Science**, Vol. 2, No.1.